

## ده دریچه به زندگی اقلیت‌های جنسی در گوشه و کنار دنیا

### جلسی کتلت

اقلیت‌های جنسی هنوز با تبعیض‌ها و محرومیت‌های مختلفی در سراسر دنیا مواجه‌اند. دو فیلم‌ساز، در سفر پژوهشی‌شان به گوشه و کنار دنیا، به ثبت تصاویر مستندی از مشخصات و مشکلات زندگی این اقلیت‌ها پرداخته‌اند. اکنون، آن تصاویر به همراه شرح زندگی این افراد به نمایش گذاشته شده است.

جینی چانگ و لیزا دازولز در سال ۲۰۱۱ به اقصی نقاط آسیا، آفریقا، آمریکای جنوبی، و استرالیا سفر کردند تا در سطح بین‌الملل گفت‌وگوهایی را با اقلیت‌های جنسی ترتیب دهند، و در این میان افرادی را پیدا کنند که اجتماعات اقلیت‌های جنسی را با فعالیت، شجاعت، انعطاف‌پذیری، و اراده‌ی خود شکل داده‌اند. این دو هنرمند یافته‌های سفر اکتشافی سه ساله‌ی خود را در مستندی با عنوان **بیرون و در حاشیه** به تصویر کشیدند. این گزیده‌ای از تصاویر و شرح زندگی چند تن از افرادی است که آن‌ها در این سفر ملاقات کردند و زاویه‌ی دید متفاوتی این افراد درباره‌ی تجربه‌ی زندگی به عنوان یک اقلیت جنسی را به نمایش می‌گذارد.



### برزیل: برادر بزرگ اجتماع اقلیت‌های جنسی

نام ژان ویلیس با شرکت در شوی «گرن هرمانو»، که نمونه‌ی برزیلی شوی **برادر بزرگ** است، در سراسر برزیل به نامی آشنا تبدیل شد. این روزنامه‌نگار از شهرتی که حضور در آن برنامه برای‌اش فراهم آورد در عرصه‌ی رقابت‌های سیاسی بهره جست و توانست نخستین فردی باشد که با این که همجنس‌گرایی‌اش را به طور علنی اعلام کرده است، به عنوان نماینده به مجلس محافظه‌کار برزیل راه می‌یابد. او همچنین نخستین کسی بود که در سال ۲۰۱۳ به صدایی معترض

علیه لایحه‌ای تبدیل شد که به پزشکان اجازه می‌داد همجنس‌گرایی را اختلالی روانی بدانند و سعی در «درمان» آن داشته باشند. از این منظر، گاهی او را با **هاروی میلک**، سیاست‌مدار مشهور همجنس‌گرای آمریکایی، مقایسه می‌کنند (البته آن لایحه در نهایت رد شد). به عقیده ویلیس، بسیاری از مردمی که در خارج از برزیل زندگی می‌کنند و وطن او را به دلیل باز بودن از نظر فرهنگ عمومی و همچنین به خاطر کارناوال پر زرق و برقی که در ریو برگزار می‌شود، مأمن اقلیت‌های جنسی می‌دانند. در حالی که او اصرار دارد که این همه‌ی ماجرا نیست. خود او به این دلیل که در برزیل همچنان انواع جرائم ناشی از نفرت به وقوع می‌پیوندد و گرایش جامعه نیز بیشتر به سمت باورهای بنیادگرایانه‌ی مذهبی است، تصمیم گرفت که به فعالیت سیاسی رو بیاورد.



### هند: یک همجنس‌گرای علنی در یک خاندان سلطنتی

شاهزاده مانوندراسینگ گوهیل نخستین همجنس‌گرای علنی در میان اعضای خاندان‌های سلطنتی هند به شمار می‌آید. خانواده‌اش او را پس از اعلام علنی همجنس‌گرایی‌اش در سال ۲۰۰۶، به طور علنی طرد کردند و این موضوع باعث شد که در آن زمان به اختلال روانی دچار شود و به همین دلیل بستری شد. اما چند سالی که از بهبود یافتن‌اش گذشت، تصمیم گرفت گروهی را به عنوان خانواده‌ی دوم برای افرادی که به خاطر همجنس‌گرایی از سوی بستگان‌شان طرد می‌شوند تشکیل دهد. او همچنین سازمانی آموزشی در زمینه‌ی ایدز و آسایشگاه سالمندانی را برای جامعه‌ی اقلیت جنسی در شهر خود، راجپپلا واقع در استان گوجرات در شمال غرب هند، راه‌اندازی کرده است. این نخستین آسایشگاه سالمندان در سراسر قاره‌ی آسیا است که برای اقلیت‌های جنسی دایر شده است.



### چین: از اتاق‌های چتِ دهه‌ی ۹۰ تا ملاقات‌های حضوری

زیانگ‌کی، گروه «ان‌وایِ شانگهای» (Shanghai Nvai) را که در سراسر دهه‌ی ۹۰ تنها گروه لژین‌های چینی در این شهر به شمار می‌رفت، به شکل یک وب‌سایت و یک اتاق چت دایر کرد. در آن دوران، اغلب اقلیت‌های جنسی از این که در ملاً عام قرار ملاقاتی بگذارند می‌ترسیدند، و بنابراین فضای اینترنت برای زنانی که درباره‌ی جنسیت خود تردیدی داشتند یا نگران آشکار شدن گرایش جنسی‌شان بودند به یک مأمن تبدیل شد. تازه در دهه‌ی ۲۰۰۰ بود که ان‌وای به برگزاری جلسات ملاقات حضوری مبادرت ورزید. این جلسات از آن زمان تا کنون به فرصتی مغتنم برای گرد هم آمدن اعضای اجتماع اقلیت‌های جنسی تبدیل شده است. به دلیل این که مکان اولیه‌ی این ملاقات‌های حضوری در جریان نوسازی شهر تخریب شده، زیانگ‌کی مدتی است که این جلسات را در آپارتمان خودش برگزار می‌کند. او می‌گوید: «آن زمان که وب‌سایت را راه انداختم هرگز به ذهن‌ام خطور نمی‌کرد که زمانی برسد که هماهنگی‌های اجتماع لژین‌ها را من انجام دهم. هنوز همه چیز بسیار مخفی بود. اما به تدریج که درباره‌ی جنبش همجنس‌گرایان در هنگ کنگ و تایوان اطلاعاتی به دست آوردم و با مردم کشورهای دیگر صحبت کردم، نگرش خودم نیز کم‌کم تغییر کرد. این زوایای دید جدید بود که مرا به جلو راند.»



### کنیا: غروری خاموش و تعصبی گوش خراش

سالومون ومبوا متصدی برنامه‌های سازمان «ائتلاف همجنس‌گرایان مرد و زن کنیا» (GALCK) است که بزرگ‌ترین سازمان مرتبط با اقلیت‌های جنسی در این کشور به شمار می‌آید. این سازمان در عین حال که یک سازمان مبتنی بر دین است، مکانی خصوصی و امن برای مشاوره گرفتن و آموزش محسوب می‌شود. آشکارسازی برای خود ومبوا کار ساده‌ای نبوده است؛ او کسی بوده که مادرش به او می‌گفته: «حتماً شیطان در خانه‌ی ما زندگی می‌کند.» و نگران قضاوت خانواده درباره‌ی پسرش و شرمسار شدن‌شان هم بوده است. سالومون ماجرا را به این شکل توضیح می‌دهد که، در کنیا اگر بفهمند مردی همجنس‌گرا است، بسیاری از مردم به اشتباه خواهند افتاد که او پدوفیل (بچه‌باز) یا اهل لواط است. در کشور او همجنس‌گرایی خلاف قانون است.



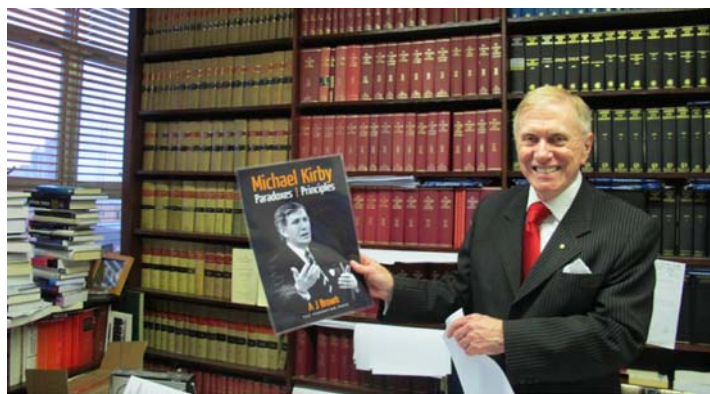
### آرژانتین: کشور پیشرو

آرژانتین از نخستین کشورهایی بوده که قانون تغییر جنسیت افراد بدون توصیه‌نامه‌ی پزشک (چیزی که در اغلب کشورها مورد نیاز است) را تصویب کرده‌اند. کالیم سوریا از جمله فعالان حامی این قانون بوده است. برای او که یک مرد تراجنسی است، دیدن این که هرکسی در کشورش می‌تواند به سادگی و تنها با پرکردن چند فرم در یکی از دفاتر دولتی تغییر جنسیت دهد لذتی غیرقابل وصف به همراه دارد. آرژانتین در زمره‌ی کشورهای پیشرو در به رسمیت شناختن حقوق اقلیت‌های جنسی به شمار می‌آید. این کشور در سال ۲۰۱۰ نخستین کشور در آمریکای لاتین (و دومین کشور در قاره‌ی آمریکا) بود که ازدواج با همجنس را قانونی اعلام کرد.



## فیلیپین: پذیرفته شده، اما تنها به عنوان یک سرگرمی

فیلیپین به عنوان کشوری که در آن به نسبت دیگر کشورهای آسیایی پذیرش بیشتری در مورد اقلیت‌های جنسی وجود دارد شناخته می‌شود، اما این پذیرش تنها تا زمانی امکان‌پذیر است که اقلیت‌های جنسی در محدوده‌ی مرزهای مشخصی باقی بمانند. مانی کاستاندا که در کشور خودش بازیگر مشهوری محسوب می‌شود، از استیصال خود در مواجهه با شیوه‌ی درکی که از همجنس‌گرا بودن در فرهنگ فیلیپینی وجود دارد حرف می‌زند. اغلب نقش‌هایی که او در فیلم‌ها بازی کرده شخصیت‌هایی هستند که با تعاریف کلیشه‌ای که از همجنس‌گرا بودن در این فرهنگ وجود دارد مطابقت دارند. او کمتر امکان این را یافته است که در فیلم‌هایی بازی کند که باعث ارتقای او در حرفه‌اش شود. دازولز در گفت‌وگوی خود با کاستاندا برای مستندی که اشاره شد، این نکته را برجسته کرده است: «هرکسی دوست دارد یک دوست صمیمی همجنس‌گرا داشته باشد اما هیچ‌کس حاضر نیست یک وکیل همجنس‌گرا داشته باشد. یا یک معلم همجنس‌گرا. اما همه عاشق کم‌دین‌های همجنس‌گرا یا آرایشگرهای همجنس‌گرا هستند.»



## استرالیا: یک قاضی که هویت جنسی‌اش را با افتخار آشکار کرد

مایکل کربی به هنگام بازنشسته شدن‌اش در سال ۲۰۰۹ طولانی‌ترین دوران خدمت را نسبت به تمام قاضیان دادگاه عالی استرالیا پشت سر گذاشته بود. او در عین حال، همجنس‌گرا بودن‌اش را نیز علنی کرده است. کربی پس از بازنشسته شدن، به عنوان مسئول کمیسیونی در شورای حقوق بشر سازمان ملل، که به تحقیق درباره‌ی نقض حقوق بشر در کره‌ی شمالی می‌پردازد، منصوب شده است. اما وقتی از او می‌پرسند دستاوردی که او را بیش از هر چیزی خوشحال کرده است چیست از رابطه‌اش با شریک زندگی‌اش یوهان نام می‌برد و می‌گوید: «زندگی من مثال بارز این است که می‌توانی همجنس‌گرا باشی و شغلی عالی هم داشته باشی، به کشورت خدمت کنی، سخت‌کوش باشی، و یک شهروند خوب. فقط آدم‌ها باید فضولی نکنند و از مداخله در زندگی دیگران دست بردارند.»





### نیپال: یک خانواده‌ی متجدد

بهومیکا در یکی از روستاهای نیپال به دنیا آمده و بزرگ شده و آن زمان یک پسر بوده است، اما در سن ۱۲ سالگی شروع می‌کند خودش را دختر نشان دهد، و نام‌اش را نیز از کایلاش به بهومیکا تغییر می‌دهد. مادرش از این تغییر حمایت می‌کند و هر دو همچنان به زندگی در کنار یک‌دیگر ادامه می‌دهند. این در حالی است که بهومیکا در اجتماع اقلیت‌های جنسی کار و فعالیت می‌کند. اکنون بهومیکا یک فعال تراجنسی مشهور است که با صراحت حرف‌های‌اش را می‌زند. او که به عنوان مشاور انجمن «بلو دایاموند» (سازمانی که در حوزه‌ی اقلیت‌های جنسی فعالیت می‌کند) مشغول به کار است، در سال ۲۰۱۰ به عضویت کنگره‌ی نیپال، یک حزب سیاسی بسیار بانفوذ، درآمد. نیپال گام‌های رو به جلویی در صدور قوانینی پیشرو در حوزه‌ی جنسیت برداشته است و از سال ۲۰۰۷ نیز دیوان عالی نیپال ازدواج با همجنس را قانونی اعلام کرده و رسماً جنس سومی را تعریف کرده است که در تمام اسناد دولتی به رسمیت شناخته می‌شود؛ با این حال، باز هم به دلیل این که زیرساخت‌های سیاسی نیپال هنوز در حال اصلاح است، بهومیکا به دشواری توانسته است کارت شناسایی جدیدی بگیرد که بیانگر هویت‌اش به عنوان یک تراجنسی باشد.



### توقف فیلم‌سازها در آرژانتین

لیزا دازولز (سمت چپ) و جنی چانگ (سمت راست) این عکس را در آرژانتین و زمانی گرفته‌اند که برای دیدن یخچال‌های طبیعی به پاتاگونیا رفته بودند. هدف اصلی آن‌ها از این سفر برقراری ارتباط با مجموعه‌ای بزرگ‌تر از جمع خودشان - یعنی جامعه‌ی جهانی اقلیت‌های جنسی - و معرفی آن به مخاطب بین‌المللی بود، و این هدف را به این منظور دنبال می‌کردند که درک و پذیرش مردم در قبال این افراد را در سراسر جهان افزایش دهند و همچنین «پذیرش خود» را در میان اقلیت‌های جنسی. چنان که لیزا می‌گوید: «هنگامی که دیگرانی را می‌بینید که می‌توانید با آن‌ها همدلی کنید، و در عین حال از بالیدن‌شان در زندگی آگاه می‌شوید، به خود می‌گویید: آه، چه جالب، من هم می‌توانم به این‌جا برسم!»

برگردان: سپیده جدیری

جلسی کتلت از نویسندگان وبسایت قد است. آن‌چه خواندید برگردان این نوشته‌ی او است:

Chelsea Catlett, 'Gallery: Ten windows into LGBTQ life around the world', *TED*, Nov 23, 2016.